

## مروان نامور

### حکیم نیشابوری عمر خیام

بقیه از شماره ۲

کلماتیکه در قرائت اشعار خیام بیشتر بسامعه دقت بر میخورند عبارتند. از خم و باده و چنگ و ساز و مطرب و می و امثال اینها ولی معنا و مقصود اساسی خیام را که این کلمات واسطه تبلیغ آند میتوان چنین بیان نمود: زندگانی رو پایان و عمر آدمی گریزان است پس باید دم را غنیمت دانست که آنچه رفت باز نیاید. ما از گذشته دیوانه سر و از آینده بیخبریم، پرتو دانش و بینش هرگز ظلمت مجهولات را روشن نمیتواند بکند و هر چه پرده از روی مسائل می افتد تاریکی زیادتر میگردد. پس بدین روش هرگز حقیقتی را دسترس نخواهیم بود. پس چه بهتر که ازین کنجکاووی دمی یاسائیم و بیشتر ازین خویشتن را آزار نمائیم و از چند روز حیات استفاده نمائیم. --- الخ.

در واقع میتوان این خیالات خیام را در مصرع عربی. "اغتموا الفرصة بین العدمین" و یا در بیت فارسی: "غافل مشو که عمری زین تازه تر نیابی — دادش بده که چون شد دگر نیابی" خلاصه نموده ولی این را باید گفت که اینکه خیام از می و میخانه و چغانه سخن گفته است نیز نمیتواند دلیل باشد بر اینکه مشار الیه شب و روز در عالم مستی و بی خبر از ملك هستی بسر برده

است زیرا خیامی که مقدم بر هر کس کتابی در علم جبر بوجود آورد و زیج ملکشاهرا ترتیب داد و بقول ارباب خبرت زیادتر از ده کتاب در حکمت و دیگر علوم بنوشت ناچار بایست صاحب فکری متین و خاطری آزاد و روشی جدی بوده باشد.

آنهائیکه در برابر خواش و فشار نفس خود داری توانسته و ایام جوانی را مانند شاعر فرانسوی "آلفرد دوموسه" و "پل ورلن" بعیش و اسراف گذرانده اند اغلب از تعقیب تکالیف جدی حیات و امانده و حتی در جوانی ازین دنیا رخت برکشیده اند اما خیام صاحب يك عمر بارور درازی بوده و ازین زو ناچار کم و بیش يك زندگانی منظم و مقبولی بسر برده است.

رباعیات خیام با بهترین کلمات و شیرین‌ترین صفات فزری مزین و موصوفند. اینها سرودهایی هستند که همواره مانند آب صاف و آینه شفافند، دارای يك سلاست طبیعی و آهنگ لطیفی بوده و در ابداع فکرهای حکمتی شاعر، بهترین قالبها برای معانی منظوره میباشند. گنج‌نیدن افکار عالی فلسفی که گاهی شرحها لازم دارند در يك رباعی که از تکلف آزاده و شیرین و ساده باشد از شاهکارهای عمر خیام بوده و دلیل فطانت و دهای اوست.

خیام بواسطه اینکه در نوشته‌های خود همواره در بیابان گمان و شک تکاپو کرده و مشرب و مسلك معاصرین خود را مسخره نموده و حدود آداب مرسوم ادیان را در گذشته و با صلاحیت و اقتداریکه مستند بر وقوف علمی و ادبی او بود آب ساکن ادبیات عصر خود را زیره نموده از طرف هموطنان خودش مورد

اعراض واقع گردیده و حتی مسلکش تا امروز در نزد فقهاء اسلام مدخول و معیوب است و شاید بقول پروفیسور جکسن آمریکائی عمر بودن اسم او نیز مزید بر علت بوده باشد.

خیام جز مشیت خداوندی مدیری دیگر برای اینعالم تصور نکرده و جز اینجهان بجهانی دیگر اعتقاد ننموده و ازین رو خوش بودن و ازین چند روز روزگار استفاده نمودن و چیزها را چنانکه هست پذیرفتن خواسته و بدان نیز اکتفا نموده است. بقول شاعر حکیم عرب ابوالغلاء معری که در اغلب صفات شبیه عمر خیام بوده و گفته است «لان العقلاء فی اوطانهم غرباء» خیام نیز در وطن خود، ایران، چندان شهرتی پیدا ننموده و حتی در صورتیکه رباعیات او را اهل غرب دفعات ترجمه و در انواع گوناگون چاپ کرده برسم ارمغان بهمدیگر میفرستند در ایران هنوز آثار او را بطوریکه از اغلاط و نقایص آزاده باشد طبع و نشر ننموده‌اند!

مسلک فلسفی خیام را مترجم انگلیسی رباعیات او فیتزجرالد که نام او را در صفحات گذشته نوشتیم، چنین تعریف میکند:

«بعضیها خیام را بواسطه آزادی فکر، حلاوت بیان و وسعت قریحه‌ای که او را است گاهی بشاعر معروف لاتینی «تیوس لوکره تیوس کایوس» و گاهی بشاعر عرب ابوالغلاء معری و حتی گاهی نیز بشاعر فرانسوی و لثر تشبیه نموده‌اند. با اینکه جهات شباهت به هر یک ازین سه حکیم در خیام کم نیست از طرف دیگر خیام هرگز تماماً و عیناً مانند اینها نیست. لوکره تیوس گاهی تابع تعلیمات فیلسوف یونانی اپیکوریوس شده و این جهانرا یک موجود حاصل از بداء و خانه خالی از خدا دانسته و خویشتن را بدین

اندیشه خوش داشته و گاهی نیز بروجه عقاید تابعین فیلسوف دیگر یونانی “زنو” گردش روزگار و صفحات گوناگون آنرا با بیقیدی و خونسردی تمام مانند میدان تماشایی که خود نیز از بازیگران آنست با دور بین عبرت نظاره میکرده.

خیام که دهای او از تحقیق مسائل این حیات باز مانده و ازینکه سر انجام هر مسئله و هر چیز آخرش یأس است سست و پریشان گردیده پس جز اذواق حسی حیات مقصودی بر خود نگرفته و با مسائلی مانند حیات، روح، جسم، الوهیت و مشیت که وصف آنها آسان و تحقیق آنها مشکل است، تنها برای مشغول کردن خاطر و ذهن پرداخته است.

در جواب مسیو نیکلا مترجم فرانسوی خیام که تصور کرده است عشق خیام عشق الهی و شراب او مانند حافظ شراب تصوف بوده، فیتزجرالد گویند: سر معنی شرابیکه حافظ وصف نموده و یا خورده است هر چه هم باشد، شراب خیام بعقیده من همان دختر رزاست ولاغیر. مشارالیه باز گویند: “مسیو نیکلا در تفسیر اشعار خیام کلمه‌های “اله و الوهیت” را چندان استعمال میکند که گویی او خود نیز صوفی بوده است. معلوم نیست مسیو نیکلا باستناد کدام و تایق تاریخی مینویسد که خیام با عشق تمام، بتحصول و تتبع فلسفه تصوف پرداخته است. توغل با مسائل غامضه فلسفی مانند روح، ماده، جبر و تفویض و اراده حالی مخصوص به متصوفین و به لوکریتیوس و اپیکور نبوده بلکه این همان سر آزادگی و حریت افکار است که از دیرباز در آزاد اندیشان جهان دیده شده و خواهد شد و در حقیقت ظهور یک خیام در

مشرق بدیندن يك گل وحشی میماند که در میان خارستانی سر آورد.

در زمانیکه خیام در مشرق رباعیهای خود را می‌نوشت، اروپا مشغول جنگهای چلیا و غیره و در واقع تمام غرب در زیر ظلمت جهالت بود.

نخستین کسیکه خیام را در اروپا معرفی نمود توماس هاید از معلمین مدرسه آکسفورد انگلستان بود که در کتاب «تاریخ مذاهب قدیم ایران — مدوپارت» که در اواخر قرن هفدهم میلادی تالیف کرده از شاعر ایرانی بحث نموده است ولی هیچکس در نقل رباعیات خیام آن مهارت و شایستگی را که فیتزجرالد انگلیسی نشان داده نتوانسته است بکار برد. چه بهراریکه در سابق گفته شد این مترجم انگلیسی در ترجمه این رباعیات در زبان خود چنان اسلوب و شیوه بکار برده است که نام خود را در عالم غرب همنام خیام ساخته و بلکه از و نیز در شهرت برتر شده است با اینکه شهرت خیام در مغرب زمین بمراتب بیشتر از معروفیت وی در مشرق است چنانکه امروز بنام او در انگلستان انجمنی معروف میباشد.

شرقشناس معروف اتریشی هامر پرغستال که در سال ۱۸۵۶ وفات کرده و در تاریخ عثمانی اثر مهم مرکب از ۱۸ جلد بوجود آورده است در سال ۱۸۱۸ از يك نسخه خطی پست و پنج رباعی خیام را اخذ و نشر و به بعضی از آنها که معارض با دیانت اسلامی بوده جلب دقت کرده و خیام را «ولتر» ایران نامیده است.

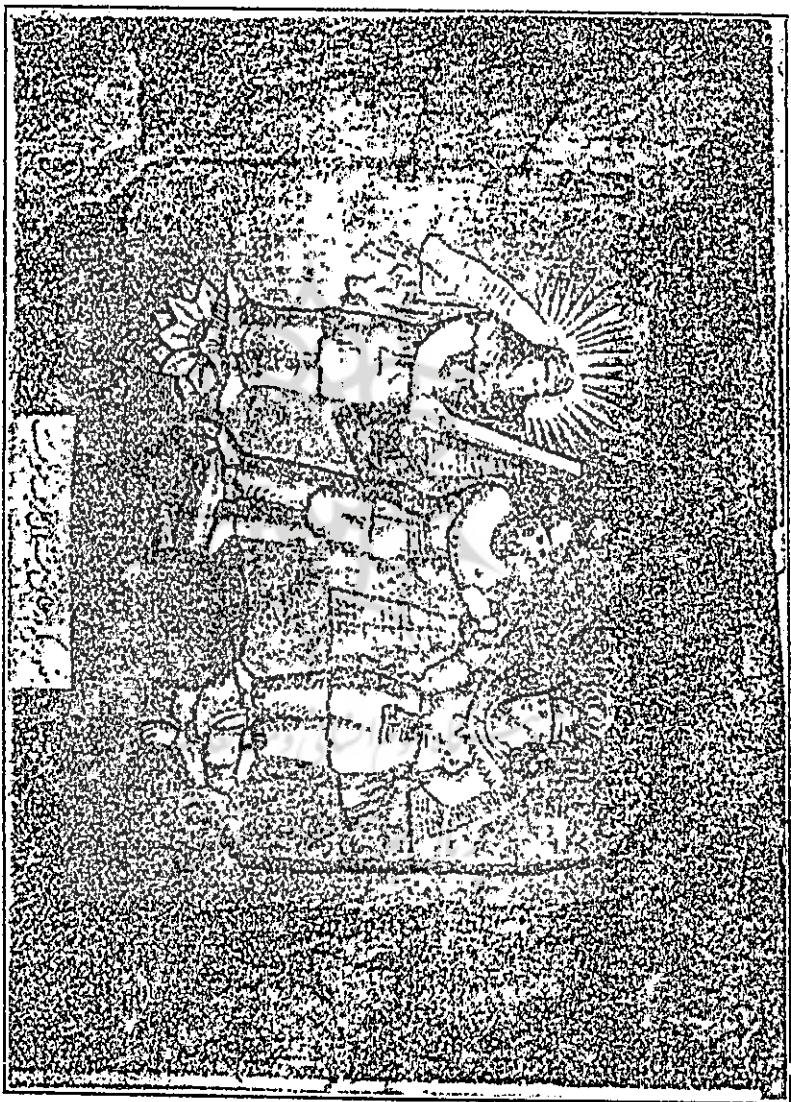
شرقشناس فرانسوی غارسن دوتاسی نیز قریب ده رباعی از

خیام ترجمه نموده ولی بطور کافی بمعنای آنها نفوذ نکرده است. شرقشناس انگلیسی سر آوسلی نیز دو رباعی از خیام ترجمه کرده و "بارتلمی در بلو" فرانسوی در اثر خود بنام "کتابخانه شرقی یا لغتنامه عمومی" از خیام بحث نموده. همچنین تیوفیل کوتیه از معروفین شعرای رماتیک فرانسه که در سال ۱۸۷۲ وفات یافته گفته: "تمام سرودهای "هاملت" را در رباعیهای خیام در صورت پراکنده میتوان یافت".

ارنست رنان که بواسطه آثار عدیده خود معروف بود و از مؤلفین مشهور قرن ۱۹ فرانسه محسوبست در باره خیام گفته است: خیام حیرتبخش‌ترین شاعر نیستی طلب که تا کنون نظارش دیده شده است.

لرد کرزن کم از واقفین احوال روحی و اجتماعی ایران و از وزرای انگلستانست در کتاب خود راجع به ایران در ذکر زیارت نیشابور سخن از خیام پیش آورده گوید "عمر خیام که نامش با اثر خامه فیتزجرالد و نویسندگان دیگر معروف گردیده قبرش در نیشابور است یاد دارم وقتی آرزوی یکی از مترجمین رباعیات را که خواسته بود نسخه‌ای از ترجمه آنها کسی آورده روی مرقد خیام بارمغان اندازد خوانده بودم و اگر در سفر نیشابور این کتاب نزد من بود این کار را میکردم که هم به وصیت مترجم عمل کرده و هم بار خود را سبک میساختم ولی میترسم وضع پریشانی قبری که من دیدم شیفتگان دهای خیام را بسیار متأثر سازد. این قبر که وقتی با گلها و جویبارها آراسته و مزین بوده امروز خرابه‌ای پیش نیست و نشانی از خیام در روی آن دیده نمیشود."





درین تصویر ، اردشیر اول ، تاج شاعراناً لیست خود شاپور میبخشد ؛ مردیکه در زیر پلی ایستادست ، اردوان ، آخرین پادشاه اشکانی میباشد و صورت حال دار امپراتوریه پارتی . زردشتو بهقیده دیگران آمو را برودا ست که پادشاهی شاپور را تصدیق میکند



تصویر مجسمه شاپور اول (۲۴۲-۲۷۳ میلادی) است که در یک مغاره طبیعی در خرابه‌های شهر قدیم چند شاپور موجود است. شاپور اول، بین النهرین و ارمنستان را فتح و در ۲۶۰ میلادی، امپراتور روم والریان را مغلوب و اسیر کرده است.